

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

رسومات

اسرار شهادت
در سیما و سلوک توحید
شهید حاج قاسم سلیمانی

گفتاری از استاد محمد تقی فیاض بخش
همراه با مصاحبه‌ای با ایشان

سرشناسه: فیاض بخش، محمدتقی، ۱۳۳۲ -

عنوان و نام پدیدآور: رسم شهادت: اسرار شهادت در سیما و سلوک توحیدی شهید حاج قاسم سلیمانی/ گفتاری از استاد محمدتقی فیاض بخش همراه با مصاحبه‌ای با ایشان؛ به کوشش تحریریه مؤسسه جلوه نور علوی. مشخصات نشر: تهران: فیض فرزانه؛ بنیاد حفظ و نشر آثار شهید قاسم سلیمانی، انتشارات مکتب حاج قاسم، ۱۴۰۲. مشخصات ظاهری: ۱۰۴ ص.

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۵۷۹۶-۳۴-۸

وضعیت فهرست نویسی: فیا

عنوان دیگر: اسرار شهادت در سیما و سلوک توحیدی شهید حاج قاسم سلیمانی.

موضوع: سلیمانی، قاسم، ۱۳۳۵-۱۳۹۸.

موضوع: Soleimani, Qasem, ۱۹۵۶-۲۰۲۰

موضوع: فیاض بخش، محمدتقی، ۱۳۳۲ - -- وعظ

موضوع: شهادت

Martyrdom -- Islam

شناسه افزوده: انتشارات مکتب حاج قاسم

شناسه افزوده: مؤسسه فرهنگی هنری جلوه نور علوی

رده بندی کنگره: DSR1۶۶۸

رده بندی دیویی: ۹۵۵/۰۸۴۴۰۹۲

شماره کتابشناسی ملی: ۹۴۵۵۴۵

اطلاعات رکورد کتابشناسی: فیا



رسم شهادت

اسرار شهادت در سیما و سلوک توحیدی شهید حاج قاسم سلیمانی
گفتاری از استاد محمدتقی فیاض بخش همراه با مصاحبه‌ای با ایشان

به کوشش تحریریه مؤسسه جلوه نور علوی

ناشر: فیض فرزانه. ناشر همکار: انتشارات مکتب حاج قاسم

نوبت چاپ: اول، ۱۴۰۲. شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۵۷۹۶-۳۴-۸

تلفن مرکز پخش: ۰۹۱۲۷۹۷۴۷۵۰

برای اطلاع از دیگر محصولات مؤسسه، عدد ۱۰۰ را به سامانه ۰۲۱۳۳۹۸۷۹۹۰ پیامک کنید.

کلیه حقوق مربوط به چاپ و نشر این اثر متعلق به مؤسسه فرهنگی هنری جلوه نور علوی است.

تلفن مؤسسه: ۰۲۱)۳۳۹۸۷۹۹۰ و ۰۹۰۳۳۹۸۷۹۹۰

www.jelveh.org

فهرست مطالب

پیشگفتار..... ۷

بخش اول: رسم شهادت

رسم شهادت..... ۱۵

شهادت؛ راه آحاد امت ۱۶

شهید؛ شاهد و مشهود عالم..... ۱۸

شهید؛ رها شده از طوق بندگی دنیا ۲۲

انسان؛ کاروان سالار خلایق در مسیر شهادت ۲۵

سیر عالم در مسیر شهادت، با تسبیح پروردگار ۲۷

اتمام حجت خداوند با انسان ۲۹

توجه به حقیقت بندگی؛ راه رسیدن به شهادت..... ۳۱

محبت؛ محرک مسیر شهادت ۳۲

مراقبات در طریق محبت ۳۳

۱. التزام به ظاهر شرع..... ۳۳

۲. مراتب محبت ۳۵

محبت به فقرا؛ نشانه شهید..... ۳۷

راه و رسم حاج قاسم در مکتب علامه طباطبایی..... ۳۹

دستور اول: توجه به حقیقت بندگی..... ۳۹

دستور دوم: توجه دقیق به فریضه نماز..... ۴۰

دستور سوم: دوام طهارت..... ۴۰

دستور چهارم: انس با قرآن کریم..... ۴۰

دستور پنجم: اهتمام جدی به نماز شب ۴۱

بخش دوم: بر مدار دوستی

برمدار دوستی ۴۵

رفتار ظاهر؛ تجلی سیر باطن..... ۴۶

دوستی و سعه صدر؛ جلوه‌های محبت پروردگار..... ۴۷

- ۴۸ سعه صدر و محبت شهید نسبت به همه خلائق
- ۵۰ محبت ویژه شهید نسبت به مؤمنین
- ۵۲ محبت فراگیر حاج قاسم
- ۵۴ محبت شهید حول محور ولی خدا
- ۵۷ تسبیح پروردگار؛ راه حرکت به سوی مقام شهادت
- ۵۹ اهتمام شهید به ظواهر شرع
- ۶۱ طلب شهادت؛ مرتبه‌ای از مقام شهادت
- ۶۲ شهید به معنای مشهود
- ۶۴ لقای تام؛ درخواست حاج قاسم
- ۶۵ دوستی شهدا با یکدیگر در عوالم بعد از دنیا
- ۶۶ شهید به معنای شاهد
- ۶۷ شفاعت شهید
- ۶۹ وظیفه دیگران در فقدان شهید
- ۷۱ هجرت و جهاد؛ لازمه شهادت
- ۷۳ هجرت کبرای حاج قاسم
- ۷۵ تحمل سختی‌های راه هجرت
- ۷۷ مواجهه با مصیبت فقدان شهید
- ۷۸ وظیفه بازماندگان؛ استقامت در راه شهید
- ۸۰ عقوبت سستی در راه شهید
- ۸۱ بازماندن از سیر ارتقایی
- ۸۲ ذلت و خواری در برابر دشمن
- ۸۴ ویژگی‌های بارز حاج قاسم
- ۸۴ عظمت حاج قاسم
- ۸۵ غنای طبع
- ۸۵ شجاعت و صراحت لهجه
- ۸۶ دفاع صریح از ولی فقیه
- ۸۷ محور وحدت امت بودن
- ۸۸ تکیه بر توانمندی‌ها و تلاش برای رفع کاستی‌ها
- ۸۸ غیرت؛ لازمه محبت
- ۹۰ نهضت علمی؛ میدان غیرت رهروان شهید
- ۹۶ فهرست منابع

پیشگفتار

در وصف اوصاف شهید حاج قاسم سلیمانی سخن فراوان است؛ و اگرچه بسیار از آن گفته و شنیده‌ایم، اما این بسیار بسیار گفتن‌ها، میمیل نبوده و تکرار مکررات نشده است؛ بلکه به عکس، هرچه می‌شنویم، بیشتر طلب می‌کنیم.

خبرت خراب‌تر کرد جراحی جدایی

چو خیال آب روشن که به تشنگان نمایی

سهل است که این نسبت را به خلق نیکو و رفتار خوش شهید سلیمانی برگردانیم، و بگوییم که از حسن خلق اوست که چنین در دل ملت جای باز کرده، و یا چون او یک شخصیت نظامی مقتدر بوده است، شهادتش چنین دل‌های همگان، از کوچک و بزرگ، زن و مرد و حتی فراتر از این مرزها را به جوشش و خروش درآورده. اما اگر بخواهیم قدم پیش‌تر نهیم و بیشتر این پدیده سترگ را به پرسش کشیم، باید پرسیم که ریشهٔ این اقتدار و خوب بودن در چه بود و از کجا بود؟! ما معمولاً جرأت پرسیدن چنین سؤالاتی را به خود نمی‌دهیم و به وقت سخن گفتن از شهید، به ذکر خاطرات او

بسندہ می‌کنیم. اما باید به خود جرأت پرسیدن داد؛ همان جرأتی که سعدی به وقت سخن گفتن از محبوب، به خود داد: دوستان عیب‌کنندم که چرا دل به تو دادم

باید اول به تو گفتن که چنین خوب چرایی؟ این پرسشی است که استاد محمدتقی فیاض‌بخش در مقدمه کتاب خود موسوم به «شهید؛ رهیافتی به راز و رمز مقام شهادت» پیش چشم خوانندگان آورده‌اند و دوست‌داران شهید حاج قاسم سلیمانی را به پرسیدن این پرسش دعوت نموده‌اند:

«عامل اصلی قداست شهید و شور و خروشی که ریخته‌شدن خون او در دل‌ها ایجاد می‌کند، آیا تنها به واسطهٔ مظلومیت و یا غم حادثهٔ کشته‌شدن او در میدان نبرد است؟ اگر چنین است، پس چرا تلاطم امواجی که شهادت‌ها در قلب‌ها ایجاد می‌کنند متفاوت است؟ یا مسئله چیز دیگری است و مقامات و مراتب شهید و تأثیر او در عوالم ملک و ملکوت بسیار عمیق‌تر و پیچیده‌تر از این سخنان است، و خروش عالم خاکی شراره‌ای کوچک از ملکوت اعلاست؟»^۱

شیخ اجل سعدی شیرازی که در پی خوبی و حُسن محبوب است، حالی نظیر حال ما دارد و از این رو التفات به سیر او برای ما آموزنده است. او به وقت پرسیدن از حُسن محبوب، به حسنی بالاتر و محبوبی والاتر توجه پیدا می‌کند؛ آن نه خالست و زنخدان و سر زلف پریشان

که دل اهل نظر برد، که سرّی است خدایی دیدار حُسن شهید هم از این سیر مستثنا نیست؛ چنانکه استاد فیاض‌بخش خود در پاسخ به پرسش‌های فوق چنین آورده‌اند:

«آنچه در حادثه شهادت شهید در عالم ملک و در دل های ما زمینیان رخ داده و می دهد، صرفاً انعکاسی است از عوالم بالا و جلوه ای است از خروش ملکوت و غوغای ملکوتیان؛ به قول حکیم متاله میرفندرسکی:

چرخ با این اختران نغز و خوش زیباستی

صورتی در زیر دارد آنچه در بالاستی

صورت زیرین اگر با نردبان معرفت

بر رود بالا همی با اصل خود یکتاستی»^۱

چنانکه حسن محبوب سزای خدایی است و باید اصلش را در توحید جستجو کرد، راه فهم حسن شهید هم از مسیر تلاش برای یافتن «توحید» شهید می گذرد. چون توحید شهید کشف شد، سزای همه حسن و محاسن او نیز کشف می شود. شهید راستگو است، نه چون راستگویی «خوب» است، اهل انس با ایتمام و فقرا است، نه چون این کار «خوب» است، اهل جهاد است، نه چون جهاد «خوب» است. او هرچه می کند برای رضای او می کند؛ خوب و بد، زیبا و زشت برای شهید، آن چیزی است که رضای مولی تعیین کند؛ آنچه که توحید تعیین می کند.

یکی درد و یکی درمان پسندد

یکی وصل و یکی هجران پسندد

من از درمان و درد و وصل و هجران

پسندم آنچه را جانان پسندد

روی این مبنا، تأمل در سیره عملی و حالات روحی شهید در اصل تأمل در طریق نیل به توحید و طریق محبت است. ما در احوالات و سیره عملی شهید تأمل می کنیم تا گره های ذهنی و قلبی مان

نسبت به اصل سیروسلوک الی الله باز شود. پس نقل خوبی‌ها و محاسن شهید، صرفاً یک خاطره‌گویی نیست، بلکه پی‌جویی یک پرسش و در اصل یک پژوهش توحیدی است. اگر می‌پرسیم که چرا شهید سلیمانی همه طوایف و اقشار را دوست می‌داشت، در واقع مشغول پرسیدن از چیز بالاتری هستیم؛ آن سوال بالاتر این است که «نسبت توحید با مودت و دوستی همه اقشار و طوایف چیست و چرا توحید موحد را به وادی این دوستی می‌کشاند؟». اگر می‌پرسیم که چگونه یک فرمانده نظامی میدانی - که حتماً به فرمانش خون‌های بسیاری از دشمنان ریخته شده است - این قدر لطیف و اهل ظرافت بود؟، در واقع مشغول پرسیدن از مختصات راه توحید و اطوار زیست یک موحدیم: «چگونه است که موحد هم لطیف است و هم خشن؛ لطیف در دوستی و خشن در دشمنی بر سر دوستی؟». این‌ها سؤالاتی است که ما درباره شهید حاج قاسم سلیمانی می‌پرسیم. جواب این سوالات در خود توحید است. پس نقطه عزیمت ما و نقطه نهایت ما در پی‌جویی این پرسش‌ها توحید است. این راه را با کسانی که آشنای توحیدند می‌توان طی نمود؛ پس باید این سوالات را به سالکان و آشنایان این راه عرضه کرد. مسیری که در کتاب پیش رو طی شده است.

استاد محمدتقی فیاض‌بخش در تاریخ ۱۴ دی ماه ۱۴۰۱، در آیین گرامی‌داشت مقام شهید و رونمایی از کتاب «شهید؛ رهیافتی به راز و رمز مقام شهادت»، که به مناسبت سومین سالگرد شهادت سردار سلیمانی برگزار شد، به ایراد سخنرانی پرداختند. شاکله بیانات استاد در این مراسم نزدیک به ساختار و سیر مطالب کتاب شهید بود؛ ولی با بیانی عمومی‌تر و همه‌فهم‌تر. در همان ایام،

تحریریه رسانه تصویری سیمافکر، به سفارش بنیاد مکتب حاج قاسم و در همکاری با مؤسسه جلوه نور علوی، گفت‌وگویی با استاد فیاض‌بخش ترتیب داد. این گفت‌وگو چندی بعد به صورت تصویری با عنوان «بر مدار دوستی» منتشر گردید^۱.

در هر دوی این بیانات، شاهد تفسیری توحیدی از مقام شهادت - در وهله اول - و نیز تفسیری توحیدی از سیره رفتاری و عملی شهید سلیمانی بودیم. آنچه پیش روی شما است، ویراسته متن کامل این دو مجلس است.

میان این دو متن هم‌پوشانی‌های فراوانی درکار است؛ اما به دو جهت به سراغ ادغام متن‌ها نرفتیم:

اولاً، متن سخنرانی - خصوصاً از نیمه به بعد - نظر به دستورات عملی مکتب تربیتی مرحوم علامه طباطبایی رحمته‌الله علیه، سیری توحیدی دارد، و استاد در آن بیشتر عزم استفاده عملی و سلوکی از سیره شهید سلیمانی را داشته‌اند؛ این خصلت اختصاصی متن اول است که می‌باید مستقلاً حفظ می‌شد.

ثانیاً، متن دوم یک گفت‌وگو است؛ سوالات و سیر بحث - ولو که در محتوا قرابت‌هایی با متن اول دارد - نقطه عزیمتشان متفاوت است. از همین رو حتی محتوایی که عیناً در سخنرانی اول آمده است، در بافت گفت‌وگویی دوم معنایی تازه یافته است که

۱. صوت کامل سخنرانی استاد فیاض‌بخش در مراسم گرامیداشت مقام شهید، از سایت مؤسسه جلوه نور علوی به این آدرس قابل دانلود است:

www.jelveh.org/media/13441/

فیلم کامل این سخنرانی نیز در کانال آپارات مؤسسه قابل مشاهده است:

<https://www.aparat.com/v/Q6lNI>

فیلم کامل برنامه بر مدار دوستی نیز در کانال آپارات سیمافکر و کانال آپارات مؤسسه جلوه نور علوی به این آدرس در دسترس است:

<https://www.aparat.com/v/GAbQ7>

به خواننده اجازه استفاده‌ای دیگر را می‌دهد. بنابراین لازم بود گفت‌وگوی دوم مستقلاً حفظ شود.

در پایان لازم است از آقایان سید محمد صادق کشفی و سید علی کشفی و سید باقر نبوی بخاطر زحماتشان در برگزاری مصاحبه تشکر به عمل آوریم. همین‌طور از آقایان حمیدرضا میررکنی بنادکی و مهدی کازرانی و خانم فاطمه رومنا به خاطر زحمتی که در تنظیم و تدقیق مطاوی این دو گفتار بر خود هموار ساختند قدردانی کنیم. این مختصر، تلاشی است برای بسط و تعمیق معرفت عمومی نسبت به مقام شهید و شهادت. امید است به قدر خود در تعمیق و ترویج معارف بلند انقلاب عظیم اسلامی مان راهگشا باشد و مورد قبول روح بلند امام امت رحمته‌الله‌علیه و مربی ربانی، علامه طباطبایی رحمته‌الله‌علیه و نیز مورد توجه ارواح طیبه شهیدای امت اسلام، خصوصاً شهید حاج قاسم سلیمانی قرار گیرد؛ شاید به دعا و توجه ایشان مورد دستگیری مقام شفاعت کبرای حضرت صاحب الامر عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الیهم قرار گیریم.

از جرعه تو خاک زمین درّ و لعل یافت

بیچاره ما که پیش تو از خاک کمتریم

حافظ چوره به کنگره کاخ وصل نیست

با خاک آستانه این در به سر بریم

مؤسسه جلوه نور علوی

دیماه ۱۴۰۲

بخش اول: رسم شهادت

سخنرانی استاد محمدتقی فیاض بخش در مراسم
گرامیداشت مقام شهید، به مناسبت سومین سالگرد
شهادت سردار حاج قاسم سلیمانی



صوت کامل این سخنرانی را از سایت
مؤسسه جلوه نور علوی دانلود کنید:
www.jelveh.org/media/13441/



فیلم کامل این سخنرانی را در کانال
آپارات مؤسسه مشاهده کنید:
<https://www.aparat.com/v/Q6lNI>

امشب به مناسبت سومین سالگرد شهادت سردار رشیدمان دور هم جمع شده‌ایم تا قدمی ولو بسیار کوچک در اعتلای کلمه شهید و شخصیت حاج قاسم و همه شهدای عالم اسلام برداریم. درباره شخصیتی صحبت می‌کنیم که همه آزادی‌خواهان جهان و همه کسانی که دغدغه دین یا دغدغه حریت و آزادی انسانیت را داشتند، ضمن اینکه قلبشان از شهادت این مرد جریحه‌دار شد، خواستند با بیت ایشان و با ملت ایران ابراز تسلیت و همدردی کنند. بنده در این فرصتی که مصدع عزیزان می‌شوم می‌خواهم به پاسخ سؤالی بپردازم که دغدغه همه ماست. بیان احوالات آن بزرگوار، بیان ایثارها و زحمات و... اموری است که فراوان گفته شده است؛ سرور معظممان جناب آقای شیرازی هم اشاراتی فرمودند^۱ که بسیار هم استفاده کردیم، اما همه دنبال این هستند که راه شهادت و این کلمه طیبه، چگونه حاصل می‌شود؟ سؤال اصلی این است.

۱. پیش از سخنان استاد معظم، جناب سردار محمد شیرازی، رئیس دفتر نظامی رهبر معظم انقلاب، درباره شخصیت شهید سلیمانی سخنرانی کردند.

شهادت: راه آحاد امت

در فرهنگ قرآن و دین، شهادت فقط در عرصهٔ پیکار جهاد اصغر نیست؛ که اگر این‌گونه باشد، تالی فاسدهای بسیاری^۱ خواهد داشت. یعنی اگر ما مقامات بلندی نظیر شهادت را ناخواسته منحصر در مصادیق آیاتی چون: «يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَيَقْتُلُونَ وَيُقْتَلُونَ»^۲ کنیم، در واقع باید بگوییم انسان فقط و فقط باید کشته شود تا به آن مراتب و مقامات عالی برسد.^۳

در این صورت، تکلیف بسیاری از کسانی که این نوع از شهادت توفیقشان نشد، چه می‌شود؟ به عبارت دیگر، آیا گروه کثیری از امت اسلام، به‌عنوان مثال، بانوان که بیش از نیمی از جامعه را تشکیل می‌دهند و برای آن‌ها توفیق حضور در صحنهٔ نبرد رودررو با دشمن به دلیل منع خود پروردگار حاصل نمی‌شود، توفیق شهادت را پیدا نمی‌کنند؟ یا عدهٔ دیگری که در صحنه‌های نبرد ایستادند و ایثار کردند، اما توفیق کشته‌شدن در راه خدا برای آن‌ها حاصل نشد، از آن مراتب محروم می‌شوند؟ به خصوص در جنگ‌های پیچیدهٔ امروز که برای جنگیدن یک سرباز در صف اول، باید ده‌ها نفر در پشت جبهه او را تدارک نظامی، اطلاعاتی و... کنند، تکلیف آن‌ها چه می‌شود؟ همین‌طور در مورد خانوادهٔ شهدا، کسانی که بعد از شهدا، پرچم شهادت را زینب‌گونه نگه

۱. تالی فاسد یک اصطلاح منطقی است که درباره قضایای شرطیه به‌کار می‌رود. هر گزاره شرطی متشکل است از دو بخش: مقدم و تالی. برای مثال: اگر باران بیارد (مقدم) زمین خیس می‌شود (تالی). همواره ارتباط مستقیمی میان مقدم و تالی برقرار است. اگر مقدم سالم باشد، تالی هم سالم خواهد بود و اگر مقدم فاسد (نادرست) باشد، تالی هم فاسد خواهد بود. معمولاً از فساد تالی به فساد مقدم باید پی برد؛ یعنی فساد تالی نشانهٔ فساد مقدم است.

۲. در راه خدا پیکار می‌کنند، می‌کشند و کشته می‌شوند (توبه، ۱۱۱).

۳. نسا، ۷۶.

داشتند و نگذاشتند که امت به خاطر مصیبت از دست رفتن چنین شخصیت‌های والایی، به زانو دربیاید، تکلیف آن‌ها چه می‌شود؟ این سؤالات و بسیاری از سؤالات دیگری که بنده در مقدمه کتاب شهید آورده‌ام، افق کلی این بحث را نشان می‌دهد که نباید شهید را فقط به معنای مقتول در جبهه‌های نبرد بدانیم.

این مسئله هم برای خود بنده سؤال بود، هم در بیانات مقام معظم رهبری رحمته الله علیه می‌دیدم که تصریحاً یا تلویحاً به این نکات اشاراتی دارند و هم در فرهنگ قرآن به این مسئله اشاره شده است. مرحوم علامه طباطبایی رحمته الله علیه ذیل آیه شریفه ﴿وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْواتًا بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزُقُونَ﴾^۱ به این نکته فخیم اشاره می‌کنند که در تمام آیات قرآن، خداوند لفظ شهید را برای کسی که در میدان نبرد کشته شده است، به کار نبرده است؛ البته در زیارت‌نامه‌ها، به خصوص در زیارات سیدالشهداء علیه السلام و در روایات اهل بیت علیهم السلام به این معنا به کار رفته است، اما در قرآن به کار نرفته.

اساساً در قرآن کریم، کشته شدن در میدان نبرد فقط یک جلوه از شهادت است. شهادت معنای عامی دارد که اصولاً تمام انبیای الهی علیهم السلام، تمام کتب آسمانی و فرامین اولیای الهی به آن دعوت می‌کنند و این دعوت مرد و زن ندارد. همه امت‌ها و همه بشریت دعوت شده‌اند که بیایید شهید شوید! پس پیداست که همه ما باید دنبال شهادت به معنای عام آن باشیم.

در تاریخ پرفرازونشیب شیعه، خصوصاً در زمان حیات امیرالمؤمنین علیه السلام، کسانی که به ساحت مقدس ایشان ابراز ارادت داشتند، خدمت حضرت و فرزندانشان می‌رسیدند و عرضه

۱. هرگز گمان مبر کسانی که در راه خدا کشته شدند، مردگان‌اند! بلکه آنان زنده‌اند و نزد پروردگارشان روزی داده می‌شوند (آل عمران، ۱۶۹).

می‌داشتند که «نَحْنُ مِنْ شِيعَتِكُمْ وَ مُحِبِّيكُمْ»؛ ما از دوست‌داران و شیعیان شما هستیم. در روایت هست که حضرت به بعضی از آن‌ها می‌فرمودند: اگر واقعاً شیعه و محب ما هستید، خودتان را برای شهادت و انواع بلاها و گرفتاری‌ها آماده و از آن استقبال کنید!^۱

بنابراین باید ببینیم کُنه و اصل معنای شهادت در فرهنگ دینی ما و به خصوص در آیات قرآن چیست؟ ما در طول سال‌های متمادی انقلاب، شهدای بسیاری داشتیم که هرکدام از آن‌ها موجی در جامعه ایجاد کردند. به عنوان مثال، نمی‌دانم عمر سروران معظمی که در محضرشان هستم اجازه می‌دهد که شهادت شهید بهشتی و سایر همراهان آن بزرگوار که یک شب در همین مکان اتفاق افتاد، به یاد بیاورند؟ و به یاد بیاورند که این اتفاق، علیرغم شرایط بسیار سخت آن زمان، چه موجی را در کشور ایجاد کرد؟

باید ببینیم کُنه شهادت چیست که با هر شهیدی که از میان ما پر می‌کشد، چنین موجی ایجاد می‌گردد؟ حقیقت این موج چیست؟ به خصوص بنده بیشتر می‌خواهم روی این تکیه کنم که اگر ما حالات و اطوار گوناگون سردار بزرگمان را بررسی می‌کنیم و برایش کتاب و فیلمنامه و داستان می‌نویسیم - که طبق آمار نزدیک به هشتصد جلد کتاب در همین مدت سه سال، دربارهٔ ایشان نوشته شده است - این همه ابراز ارادت برای تبیین مقام شهید برای چیست؟ به نظر بنده اصل در همهٔ این کارها این است که بدانیم چگونه باید به سمت مقام شهادت حرکت کرد؟

شهید؛ شاهد و مشهود عالم

اصولاً در فرهنگ قرآن شهید واژه‌ای مقدس است و شهید در کُنه

خود از اعظم صفات الهی است. به عبارت دیگر، خداوند در قرآن لفظ شهید را در درجه اول درباره خود به کار می برد. برای مثال در سوره مبارکه فصلت می فرماید: «سُرِّبَهُمْ آيَاتِنَا فِي الْأَفَاقِ وَفِي أَنْفُسِهِمْ حَتَّىٰ يَتَبَيَّنَ لَهُمْ أَنَّهُ الْحَقُّ»^۱، نمی فرماید: «اِنَّهُ اللهُ» یا «اِنَّهُ هُوَ» یا «اِنَّهُ هُوَ الرَّبُّ»؛ می فرماید: اگر آن ها چشم دل باز کنند و به خوبی و با دقت نگاه کنند، به زودی خودمان را در آیات گوناگون - چه آیات آفاقی و چه انفسی - به آن ها نشان خواهیم داد؛ به خصوص در آیات انفسی: «فِي أَنْفُسِهِمْ».

در این ارائه، چه چیزی برای آن ها کشف می شود؟ اینکه خداوند در همه عالم تجلی دارد و اصولاً هر جلوه ای از حقیقت، ظهوری از حقانیت حق است: «أَنََّّهُ الْحَقُّ». بنابراین امکان ندارد کسی قبل از اینکه خداوند را شناخته باشد، حق را بشناسد. سپس در ادامه این آیه شریفه می فرماید: «أَوَلَمْ يَكْفِ بِرَبِّكَ أَنَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ»^۲؛ آیا این کافی نیست که خداوند بر همه امور «شهید» است؟! یعنی لفظ شهید با چنین عظمتی درباره پروردگار به کار می رود. در واقع خداوند به عنوان اعظم صفاتش، خود را شهید می نامد.

چنان که در کتاب های ادبی می خوانیم، مرحوم علامه در میزان می فرماید: شهید صفت مشبیه است و صفت مشبیه، به شرط اینکه متعدی باشد، می تواند هم به معنای «شاهد»^۳ باشد و هم به معنای «مشهود». لذا طبق این آیه، خداوند هم می تواند «شاهد» باشد، هم «مشهود»^۴. هر دو معنای زیبایی است؛ اما

۱. به زودی نشانه های خود را در اطراف جهان و در درون جانشان به آنها نشان می دهیم تا برای آنان آشکار گردد که او حق است (فصلت، ۵۳).

۲. آیا این کافی نیست که پروردگارت بر همه چیز شاهد است؟ (همان).

۳. مشاهده کننده: کسی که شاهد و بیننده است.

۴. دیدنی، دیده شده

معنای مشهود از شاهد زیباتر است.^۱

معنای شاهد این طور می شود که بگوییم: آیا اگر با خدای خودت راز و نیاز کنی، با او درد دل کنی و سخن بگویی، و بدانی او حاضر و ناظر و شاهد و محیط و نزدیک تر از هر کس - حتی از خودت - به توست، برای تو کافی نیست تا با او انس بگیری؟ یعنی اگر تو با خودت نجوا می کنی، قبل از نجوا با خودت، با او داری نجوا می کنی! «مَا يَكُونُ مِنْ نَجْوَى ثَلَاثَةٍ إِلَّا هُوَ رَابِعُهُمْ وَلَا خَمْسَةٍ إِلَّا هُوَ سَادِسُهُمْ وَلَا آذُنٌ مِنْ ذَلِكَ وَلَا أَعْتَرُ إِلَّا هُوَ مَعَهُمْ أَيْنَ مَا كَانُوا»^۲. این تازه در نجوهای بیرونی است. در نجوای درونی هم اگر از خودت گله می کنی، با خودت صحبت می کنی، خودت را ملامت یا تشویق می کنی، بدان که قبل از خودت داری این مسئله را با خدای خودت مطرح می کنی!

بنابراین، لفظ شهید به معنای «شاهد» این طور معنا می شود. اما مرحوم علامه می فرماید: اگر شهید را به معنای «مشهود» بگیریم، با سیاق آیه مناسبت بیشتری دارد.^۳

شهید به معنای «مشهود» زیباتر هم هست؛ مشهود به این معناست که اگر انسان چشم دل را باز کند، امید دارد که با نگاه به خود و دنیا، با عبور از عالم ملک، بتواند عالم ملکوت را مشاهده کند. به عبارت دیگر می خواهد به حقایق توجه کند؛ احدی حاضر

۱. «وَقَوْلُهُ: ﴿أَوَلَمْ يَكْفِ بِرَبِّكَ أَنَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ﴾ فاعل ﴿لَمْ يَكْفِ﴾ هو ﴿بِرَبِّكَ﴾ و الباء زائدة، و ﴿أَنَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ﴾ بدل من الفاعل، و الاستفهام للإنكار، و المعنى أ و لم يكف في تبين الحق كون ربك مشهودا على كل شيء إذ ما من شيء إلا و هو فقير من جميع جهاته إليه متعلق به و هو تعالى قائم به قاهر فوجه فهو تعالى معلوم لكل شيء و إن لم يعرفه بعض الأشياء» (الميزان، ج ۱۷، ص ۴۰۵).

۲. هیچ گفتگوی محرمانه ای میان سه نفر نیست مگر اینکه او چهارمی آنان است، و نه میان پنج نفر مگر اینکه او ششمی آنان است، و نه کمتر از آن و نه بیشتر مگر اینکه هر کجا باشند او با آنان است (مجادله، ۷).

۳. ر.ک: الميزان، ج ۱۷، ص ۴۰۵.